



وحیانی بودن واژگان قرآن و نظم آنها

مریم هرمزی شیخ طبقی
کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث
وامد علوم و تحقیقات

چکیده

ساختار کنونی قرآن که از آغاز در میان مسلمانان متداول بود، بدین صورت است که از ۱۱۴ سوره تشکیل یافته و از بزرگترین سوره شروع و به طور تقریبی هر چه به انتهای قرآن پیش می‌رویم از حجم آیات کاسته شده و سوره‌ها کوچکتر می‌گردند و به سوره ناس ختم می‌شود.

آنچه در این مقاله دنبال می‌کنیم بررسی ساختار قرآن کریم از جهت وحیانی بودن واژگان آن و نظم آنها، توقیفی و توقیعی بودن چینش آیات و سوره و نیز قالب مصحفی آن است، که نظریه‌های مختلف در این موارد بررسی و بیان شده است. در ابتدا به بررسی وحیانی بودن واژگان قرآن و نظم آنها و سپس به بررسی وحیانی بودن ترتیب آیات و سوره پرداخته شده و نظریه‌های مختلفی بیان شده از جمله: الف) نظریه توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها، ب) نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها، ج) نظریه وحیانی بودن ترتیب برخی سوره‌ها.

در پایان به بررسی مصحف وار بودن قرآن و ذکر دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان صحابه، و دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) پرداخته شده است. کلید واژه‌ها: قرآن، وحی، واژگان قرآن، توقیفی یا توقیعی بودن ترتیب سوره‌ها، جمع قرآن و مصحف وار بودن آن.

مقدمه

وحیانی بودن ساختار قرآن از نظر واژگان، توقیفی بودن چینش آیات و سوره قرآن و نیز قالب مصحف وار بودن آن، زیربنای بسیاری از بحث‌های قرآنی است و پرده برداری از معانی رازهای آن، می‌طلبد که بدانیم چه مقدار از این کتاب وحیانی از سوی خداوند است و چه مقدار مسلمانان صدر اسلام و مردمان پس از آنها در آن نقش داشته‌اند. پر واضح است که هرچه قلمرو وحیانی بودن ساختار قرآن گسترده‌تر باشد قلمرو نکته‌سنجی و تزیینی در این کتاب آسمانی بازتر خواهد بود.

در مقاله‌ای که پیش رو دارید سعی شده است تا به یاری خداوند در حد امکان به بررسی این مسائل پرداخته شود. امید است که مورد توجه شما خواننده گرامی قرار گیرد.

وحیانی بودن واژگان قرآنی و نظم آنها

همان گونه که معانی قرآن از جانب خداوند متعال است، پوشاندن لباس لفظ به این معانی و مفاهیم و چگونگی ترکیب و تنظیم الفاظ آن نیز از آن خداوند متعال است، نه پیامبر (ص)، نه جبرئیل امین و نه کس دیگر. بنابراین، این احتمال بی اساس خواهد بود که معانی قرآن از آن خداوند است که با واسطه جبرئیل بر قلب پیامبرش نازل کرده و آن حضرت خود آن را در قالب الفاظ درآورده است و یا آن که بر جبرئیل معنی القا شده و او آنها را با تعبیرات عربی بیان کرده است.^۱

دلیل بر بطلان این نظریه خود قرآن کریم و روایات است:

۱. و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا (اسراء، ۱۷/۱۰۶)

روشن است که مراد از قرآن آن چیزی است که در دسترس ما و شامل لفظ و معنی است و خداوند تنزیل آن را مستند به خود می‌کند.

۲. کتابی که پیش رو دارید از جانب خداوند آمده است:

قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین (مائده، ۱۵/۵)

۳. خداوند آن را کلام خود خوانده و به صراحت به خود نسبت می‌دهد:

و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله (توبه، ۶/۹)

۴. کار پیامبر قرائت و تلاوت قرآن بر مردم بوده است:

إقرا باسم ربك (علن، ۱/۹۶)، و أنل ما أوحى إليك من كتاب ربك؛ (كهف، ۲۷/۱۸) و واژه‌های قرائت و تلاوت بازگو نمودن سخن دیگران است.

امام باقر^(ع) درباره قرآن می‌فرماید: لا خالق و لا مخلوق، لکنه کلام المخلوق^۲ سخنان رسول اکرم^(ص) نیز موجود است و اسلوب آن با اسلوب قرآن تفاوتی آشکار دارد.^۳ برای دریافت بهتر این مساله توجه به نکاتی که یاد می‌شود سودمند خواهد بود:

۱. استناد یک سخن به گوینده مانند شعر یا متن ادبی در صورتی است که وی به کلمات آن سامان بخشیده باشد و سبک بیانی آن گفتار یا نوشتار از آن او باشد. بنابراین سخنی که خداوند آن را کلام خود می‌نامد، باید در معنی، گزینش الفاظ و ترکیب آنها با یکدیگر، از آن او باشد.

۲. سهم مهمی از اعجاز قرآن بسته به همین نظم شگرف و اسلوب بیانی و ساختار آهنگین است که دیگران را یارای آوردن مانند آن نیست و اگر بنا باشد بشر در ایجاد چنین متنی دخالت داشته باشد و بتواند در نظم آن دست برد، مبارزه جویی قرآن باطل گشته و اعجاز آن از میان خواهد رفت.

۳. امت اسلامی در تمامی دورانها با همه فرقه‌ها و اختلاف‌هایی که داشته‌اند، در این که ساختار حاکم بر جمله‌ها و ترکیب‌های قرآنی از آن خداوند متعال است، هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند و همگی بر آن اتفاق نظر دارند. از این رو دانشمندان ادب عربی هرگاه قاعده‌ای را استنباط می‌کردند که با قرآن ناسازگاری داشت، در فهم خویش تأمل می‌کردند و خطا را به خود راه می‌دادند نه به قرآن.^۴

البته در میان آثار به جا مانده از گذشتگان، به مواردی برمی‌خوریم که اشاره به جابجایی و تقدیم و تأخیر در بخشی از کلمات قرآنی دارد، از جمله تفسیر علی بن ابراهیم قمی در مقدمه‌ای که در اصناف آیات قرآن دارد، در بحث تقدیم و تأخیر، نمونه‌هایی از این دست را گاه با اشاره به روایات مربوطه برمی‌شمرد.

برای آنکه خواننده گرامی به یقین برسد که این گونه اوهام هیچ پایه و اساسی ندارد و شأن ائمه طاهرین^(ع) برتر از آن است که این سخنان از آنها صادر شده باشد، نمونه‌ای را ارزیابی می‌کنیم:

در آیه: و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا نموت و نحيا (جاثیه، ۲۴/۲۵) گفته شده است که

دهریه اعتقادی به زنده شدن پس از مرگ نداشته‌اند تا بگویند می‌میریم و زنده می‌شویم؛ بنابراین، آیه این گونه بوده است: «نحیی و نموت» یعنی حیات می‌یابیم و می‌میریم. با دقت در این آیه کریمه روشن می‌شود که هیچ گونه تقدیم و تأخیری صورت نگرفته است و «نحیی» چه مقدم باشد چه موخر، به یک معنی خواهد بود. استمرار نسل انسانی تا به دنیا آمدن افراد جدید نه برانگیخته شدن پس از مرگ، افزودن بر آن که در صورت تأخیر «نحیی» چنانچه در مصحف کنونی است، معنی بهتر بوده و استمرار حیات بهتر ترسیم می‌شود و از نظر لفظی نیز کلام آهنگین و زیباتر می‌باشد.

آثار دیگری از این قبیل نیز هستند که یا فضاوت افراد بوده و منسوب به امام معصوم نیستند، یا اگر از امام نقل شده‌اند روایت‌هایی دست ساخته هستند و از امام صادر نشده‌اند و یا گاه مقصود امام تقدیم از نظر معنی بوده است.

و در نهایت امر باید گفت روایاتی که درباره جابجایی و یا تغییر و تبدیل در کلمات و آیات قرآن رسیده‌اند، خبرهای واحدی هستند که قطع به صحت آنها نداریم، بنابراین در آنها توقف می‌کنیم و از ظاهر مصحف دست برنمی‌داریم.^۵

توقیفی و وحیانی بودن ترتیب آیات

توقیفی و وحیانی بودن تنظیم آیات در ضمن سوره‌ها، حساب شده و براساس حکمت بوده و با ارشاد و راهنمایی‌های پیامبر^(ص) صورت گرفته و رای و سلیقه صحابه در به وجود آمدن ترتیب موجود دخالتی نداشته است.

نظارت پیامبر به سه روش

۱. سوره‌های بسیاری داریم که مجموعه آیات آن در یک نوبت فرود آمده است، از جمله این سوره‌ها که در روایات نیز یاد شده‌اند، سوره‌های فاتحه، انعام، صف، عادیات، ضحی، اخلاص، کافرون، کوثر، تبت، بینه، نصر، فلق و ناس هستند. نزول دفعی در بسیاری از سوره‌های کوچک قرآن امری طبیعی است.

پرواضح است که ترتیب سوره‌هایی که به طور کامل نازل شده‌اند، بی هیچ دخل و تصرفی از سوی خداوند است.

۲. در سوره‌هایی که به طور تدریجی تکامل یافتند، عالم نخست و مهم در ترتیب

یافتن آیات آنها همان ترتیب نزول بوده است، بدین معنی که پرونده سوره با (بسم الله الرحمن الرحیم) آغاز می‌گشت و آیاتی که در پی آن نازل می‌شدند در پس یکدیگر جای می‌گرفتند تا آن که بسم اللهی دیگر نازل گردد و ختم آن سوره و شروع سوره‌ای جدید را اعلام نماید. نزول تدریجی قرآن مسبوق به برنامه و جدولی حساب شده بوده است و در آیاتی که نازل می‌شد، موقعیت مکانی و تناسب و هماهنگی با جایگاهی که خواهند داشت، در نظر گرفته می‌شده است: کتاب حکمت آیات ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (هود، ۱/۱۱)، و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث (اسراء، ۱۶/۱۰۶)

مؤید این مطلب آن است که می‌بینیم این سوره‌ها از نظر ساختار با سوره‌هایی که یکبار نازل می‌شده‌اند، تفاوتی ندارند و آیات آغاز و پایان آنها متناسب و هماهنگ با مضمون سوره است.

۳. در مواردی از ثبت آیات، تصریح خاص پیامبر (ص) و تعیین آن حضرت سبب شده است تا آیه از ترتیب طبیعی نزول خود خارج شده و در جای دیگری قرار گیرد که ممکن است سوره‌ای باشد که درگذشته به اتمام رسیده است.

تاریخ، موارد اندکی از این دست را حکایت کرده است از جمله از عثمان بن ابی العاص روایت شده که گفت:

در محضر رسول اکرم (ص) نشسته بودم. در این هنگام دیدم که حضرتش ناگاه به جایی خیره شد، آن‌گاه چشمان خود را فرو انداخت و فرمود: جبرئیل نزد من آمد و دستور داد تا آیه: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ** (نحل، ۱۶/۹۰) را در سوره نحل میان آیه شهادت و آیه عهد قرار دهم.

باز در این باره روایت است که آخرین آیه نازل شده: **وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ**، است که بنابر اشاره جبرئیل در سوره بقره آیه ۲۸۰ میان آیه ربا و دین جای گرفته است.^۶ اگر به عنوان نمونه در سوره ممتحنه نیک بنگریم درخواهیم یافت که ساختار سوره همانند دیگر سوره‌ها سنجیده و نظام مند است و تناسب آغاز و انجام و وحدت موضوعی بر آن حاکم است و اگر بخواهیم آن را بنابر ترتیب نزول مرتب سازیم، از قالب سوره‌ای منسجم و خوش ترتیب خارج خواهد شد و ساختار آن شباهتی با ساختار دیگر سوره‌ها نخواهد داشت.

به هر حال توفیقی بودن ترتیب آیات، مساله‌ای است بیشتر قریب به اتفاق دانشمندان به آن معترف هستند و بسیاری ادعای اجماع کرده‌اند. دقت در نظم آیات هر سوره نیز این مساله را به خوبی تأیید می‌کند و آیاتی نیز که درک ارتباط ظاهری آنها با آیات پیشین دشوار است با اندیشه و تامل ارتباطشان روشن خواهد شد.^۷

البته برخی از دانشمندان شیعه مطابق بودن نظم کنونی آیات را با نظم موجود در زمان پیامبر، نسبت به تمامی آیات را نپذیرفته و اجتهاد صحابه را در آن بی‌دخالت ندانسته‌اند، از جمله آنان علامه طباطبایی است.^۸

البته ما با علامه در این جهت موافق نیستیم و در بحث از ترتیب سوره‌ها، درباره روایات جمع نقدهایی خواهیم آورد و نیز تائیداتی بر توفیقی بودن آیات خواهد آمد. همچنین نام‌هایی که برای گروه گروه این سوره‌ها در صدر اسلام دایر بوده مانند سور طوال و مثنی و مثنائی و مفصلات در احادیثی که از زمان حیات پیغمبر (ص) حکایت می‌کند، بسیار به چشم می‌خورد.

توقیفی و وحیانی بودن و یا توقیفی و اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها

درباره گردآوری و تنظیم سوره‌ها که آیا توقیفی است و یا اشاره پیامبر صورت گرفته است و یا اجتهادی است و پس از رحلت آن حضرت، اختلاف نظر وجود دارد و درباره آن سه دیدگاه ارائه شده است:

الف) توقیفی و مستند به پیامبر است.

ب) اجتهادی و مستند به صحابه است.

ج) در بخشی وحیانی و در بخشی دیگر اجتهادی است.

در این بخش به بررسی آراء یاد شده و ادله آنها و سپس به داوری درباره آنها می‌پردازیم:

الف) توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها

بسیاری بر این عقیده‌اند که ترتیب کنونی سوره‌های قرآن به ارشاد پیامبر (ص) می‌باشد و این ترتیب در زمان رسول اکرم (ص) وجود داشته است. از جمله این کسان، ابن انباری در کتاب «الرد علی من خالف مصحف عثمان»؛ کرمانی در «البرهان». از دیگر کسانی که قائل به توقیفی بودن ترتیب سور هستند، ابو جعفر نحاس، ابن حصار و ابن حجر می‌باشند.^۹

سید مرتضی اظهار می دارد که تمامی قرآن در زمان رسول اکرم (ص) آموزش داده می شد و حفظ می گردید... و گروهی از صحابه مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر آن دو، قرآن را در حضور پیامبر (ص) چندین بار ختم کردند و تمامی اینها با اندک تأملی دلالت بر این دارد که قرآن تدوین شده و مرتب بوده، نه پراکنده و از هم گسسته.^{۱۰}

به جز سید مرتضی، دانشمندان شیعی بسیاری، چه در گذشته و چه در حال، بر جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) تاکید کرده اند که از میان آنها اشخاص ذیل را می توان نام برد:

شیخ صدوق، امین الاسلام طبرسی، سید ابن طاووس، آیه الله خویی، محمد تقی شریعتی، علامه سید مرتضی عسکری، آیه الله حسن زاده آملی، از دانشمندان متاخر و معاصر اهل سنت نیز بسیاری بر این باورند که ترتیب سور توقیفی است که از جمله آنها صبحی صالحی است.

ب) نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره ها

گروهی از دانشمندان گذشته و حال، معتقدند که پیامبر (ص) در حالی وفات یافت که قرآن بر جریده های نخل، تخته سنگ ها، استخوان ها، تکه چرم ها و کاغذ و در سینه های مردم به صورت پراکنده بود، و گرچه آیات در ضمن سوره ها مرتب بودند و سوره ها نیز نام داشتند، اما قرآن صورت مصحف و کتاب مدون وجود نداشت و ترتیبی نظام دار میان سوره های آن نبود و این کار در دورانهای بعد انجام گرفت. البته بنابر نظر شیعه پیش از همه این اقدامات حضرت امیر (ع) قرآنی گردآورده بودند که مورد پذیرش حکومت واقع نشد. ابن فارس و علامه طباطبایی از قائلین به این نظریه هستند. استاد معرفت نیز در «التمهید فی علوم القرآن» از طرفداران سرسخت این دیدگاه است.^{۱۱}

بدرالدین زرکشی که خود توقیفی بودن ترتیب سوره ها را ترجیح می دهد، سعی بر آن دارد که این اختلاف را لفظی و هر دو گروه را هم عقیده بدانند، به این بیان که کسانی که ترتیب سوره ها را به دست صحابه می دادند این مطلب را قبول دارند که صحابه به اسباب نزول و جایگاه کلمات قرآن آگاه بودند و رسول اکرم (ص) برای آنها به این ترتیب اشاره کرده اند. بنابراین جمع و ترتیب آنان مستند به پیامبر (ص) می شود و اگرچه خود پیامبر با دست خود سوره ها را در یک مصحف گرد نیاورد، اما چگونگی ترتیب سوره ها را برای مردم بیان کرده بود.^{۱۲}

ج) وحیانی بودن ترتیب برخی سوره ها

گروهی از دانشمندان، رأی میانه ای را در ترتیب سوره ها اتخاذ کرده و ترتیب آنها را در بخشی توقیفی و در بخشی اجتهادی می دانند. بیهقی ترتیب تمامی سوره ها را توقیفی می داند، مگر در دو سوره انفال و براءت، این عطیه نیز به این نظر گرایش دارد.

ابوجعفر زیبر نیز نظری مانند این عطیه دارد.^{۱۳}

جلال الدین سیوطی نیز از جمله کسانی است که رای میانه را انتخاب کرده؛ وی می نویسد: کسی از من در این نظر پیشی نگرفته... نظری که من اختیار می کنم، همان نظری است که بیهقی گفته است. دکتر حجتی نیز می نویسد:

ترتیب سوره ها در قرآن موجود، کم و بیش، به همان ترتیبی است که در زمان پیغمبر (ص) فراهم آمده است، زیرا بسیاری از مدارک شیعی و اهل سنت، وجود چنین ترتیبی را به طور نسبی به زمان پیغمبر (ص) تایید می کند. و در احادیث اشاراتی دیده می شود که رسول اکرم (ص) به چنین ترتیبی در سطح بسیاری از سور قرآن اشاره فرموده، منتهی باید گفت که ترتیب همه سور مانند ترتیب آیات، توقیفی نبوده، بلکه در ترتیب بعضی از سور، احتمالاً رای و نظر صحابه دخیل بوده است.^{۱۴}

دلایل قائلان به جمع قرآن در زمان صحابه

۱. امکان تدوین سوره ها به شکل مصحف در دوران حیات رسول اکرم (ص) وجود نداشته است، زیرا در عهد آن حضرت هنوز انتظار فرود آمدن قرآن وجود داشته است و تا وقتی که وحی منقطع نشده چگونه می توان سوره ها را به صورت مصحف گردآورد. بنابراین باید دوران رسالت سپری می شد و وحی کامل می گشت و آن گاه مرتب می شد.^{۱۵}

۲. مصاحف صحابه پیش از آنکه عثمان قرآن را گردآورد در ترتیب سوره ها با یکدیگر اختلاف داشتند. اگر این ترتیب توقیفی بود و از رسول خدا رسیده بود، آنان هرگز اختلاف نمی کردند؛ چنان که گفته اند مصحف علی بن ابی طالب (ع) به ترتیب نزول بود، در اول آن سوره «اقرا»، بعد «مدثر»، سپس «مزل»، و پس از آن «تبت» و بعد از آن «تکویر» تا آخر سور مکی و مدنی؛ و همچنین در مصحف ابن مسعود، «بقره»، «نساء»، «آل عمران»... قرار گرفته بودند و نیز مصحف ابی بن کعب و سایر مصاحف در ترتیب سوره ها با همدیگر

۳. یکی از دلایل های عمده این نظر، مجموعه روایات و آثاری است که درباره گردآوری و تنظیم مصحف وارد شده و از آنها اجتهادی بودن ترتیب مصحف قابل استنباط است. گروهی از این روایات که بیشتر در آثار اهل سنت و گاه در آثار شیعی آمده، روایات مربوط به جمع و تدوین قرآن در زمان خلفاست. از جمله این اشته نقل می کند:

عثمان فرمان داد که سوره های طوال را پی در پی قرار دهند، و سوره های انفال و توبه را جزء هفت سوره طولانی قرار داده و آنها را با «بسم الله الرحمن الرحيم» از یکدیگر جدا نکرد و باز به روایتی، ابن عباس از عثمان می پرسد، چرا میان انفال و توبه بسم الله نیامده است؟ و عثمان پاسخ می دهد چون رسول خدا بدرود حیات گفت و روشن نشد برای ما که این، دو سوره است یا یک سوره، از این رو این دو را کنار هم نهادیم. ۱۷

البته درباره صحت این حدیث تشکیک شده است و تک حدیثی است که برخی آن را پذیرفته اند و بر فرض صحت، دلالت آن همین اندازه است که اجتهادی بودن ترتیب این دو سوره را برساند، و اگر ترتیب دیگر سوره ها امری اجتهادی و بی سابقه بود، به طور یقین سوالات و نقدهای بسیاری درباره چگونگی آن مطرح می شد. سوره های انفال و توبه نیز تناسبشان به اندازه ای زیاد است که این مساله را تقویت می کند، که این دو یک، سوره باشند. این نکته قابل توجه است که پذیرفتن روایات جمع، با قائل شدن به توقیفی بودن سوره ها منافاتی ندارد و بسیاری از نویسندگان اهل سنت که در این باره دست به تالیف زده اند، در عین آن که جمع و تدوین قرآن را در زمان خلیفه اول و خلیفه سوم می پذیرند، ترتیب سوره ها را نیز توقیفی می دانند، یعنی این نظم و ترتیب براساس آنچه بوده که از رسول خدا شنیده بودند.

جمعی از روایات، منحصر در منابع شیعی هستند که مورد استناد دانشمندانی از شیعه که ترتیب سوره ها را به اجتهاد صحابه می دانند، قرار گرفته اند.

از آن میان، روایتی است که استاد معرفت بر آن تاکید فراوان دارد، در بحارالانوار از ارشاد شیخ مفید روایت شده است که جابر از امام باقر^(ع) روایت می کند که فرمود:

إذا قاموا قائم آل محمد^(ص) ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن علي ما انزل الله جل جلاله، فاصعب ما يكون علي من حفظ اليوم، لانه يخالف فيه التاليف؛^{۱۸}

زمانی که قائم آل محمد^(ع) قیام کند، سرپرده هایی برای آموختن قرآن به مردم بر اساس آنچه خدا نازل کرده برپا خواهد کرد، این کار بر کسی که قرآن را به شکل فعلی حفظ باشد دشوارتر است، چون که تألیف آن قرآن متفاوت با قرآن کنونی است. استاد معرفت این گونه استفاده می کند که آن قرآن در ترتیب سوره ها و برخی آیات با مصحف حاضر تفاوت دارد. ۱۹

دلایل معتقدان به جمع قرآن در زمان پیامبر^(ص)

۱. یکی از دلایل معتقدان به جمع قرآن در زمان پیامبر^(ص) نااستواری و تعارض های احادیثی است که حکایت از جمع قرآن در زمان خلفا و به دست آنان دارند. و به طور طبیعی زمانی که احتمال دیگر که جمع قرآن پس از وفات پیامبر باشد، رد شد، نتیجه خواهد داد که گردآوری و مجموعه شدن قرآن، در سال های حیات رسول اکرم^(ص) و با نظارت ایشان بوده است.

از نقدهای مهم این احادیث، کاری است که آیه الله خویی^(ره) در «البیان» انجام داده^{۲۰} و در آثار نویسندگان بازتاب گسترده ای داشته است.

آیه الله خویی در پایان نتیجه می گیرند که نسبت دادن جمع قرآن به زمان خلفا، امر موهومی است که مخالف با کتاب، سنت، اجماع و عقل می باشد، بنابراین مدعی تحریف نمی تواند به این احادیث بر مدعای خود استدلال کند....

استاد معرفت در «التمهید» در صدد پاسخگویی به این اشکالات برآمده و قضیه جمع قرآن را واقعه ای تاریخی دانسته است که باید به نصوص تاریخ رجوع کرد، نه مساله ای عقلانی و قابل بحث و جدل، و افزوده است که مورخان بر این مساله که ترتیب سوره ها پس از وفات پیامبر صورت گرفته است، اتفاق کلمه دارند. ۲۱

البته قابل ذکر است که آیت الله معرفت در اواخر عمر خود از نظر اخیر برگشته و با توجه به مدارک و اسناد قائل به جمع قرآن در زمان حیات رسول خدا^(ص) شدند. ۲۲

علامه سید مرتضی عسکری نیز در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین»، یادآور می شود که علمای گذشته نیز به تناقض روایات جمع قرآن توجه داشته اند. قرآن در زمان پیامبر^(ص) با وحی جبرئیل جمع شده بود و روایاتی که درباره جمع قرآن در زمان خلفا

وارد شده، تمامی دروغ است، و کاری که خلفا نسبت به قرآن انجام دادند آن بود که آن را از وحی بیانی، که احادیث پیامبر (ص) بود، مجرد ساختند. ۲۳

سخن آیت الله بروجردی درباره روایات جمع نیز چنین است:

هدف عامه در نقل این روایات بیان فضیلت ابی بکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام می باشد و از جانب آنان این روایات در میان خاصه راه پیدا کرده است. و اهل سنت در نقل این روایات که باعث کوبیدن عظمت قرآن می شود، برای بزرگداشت خلفا افراط کرده اند، همچنان که شیعه نیز در نقل روایاتی که دلالت می کند، علی (ع) در قرآن را گردآورد و آن را نزد مردم برد و آنان آن را نپذیرفتند، افراط کرده اند... ۲۴

۲. از دلایلی که طرفداران وحیانی بودن ترتیب سوره ها به آن استدلال کرده اند، این است که صحابه بر مصحف عثمان اجماع کرده اند و کسی از آنان با آن مخالفت نکرد. اجماع آنها خود دلیل بر توقیفی بودن مسأله است؛ چه اگر از مسائل اجتهادی بود و چنین کاری به اختیار مسلمان ها بود اختلاف نظر پیش می آمد و بایستی نسخه های قرآن با یکدیگر مختلف می شد و هرکس به ذوق و تشخیص و میل خود سوره ها را می نوشت، و مشکل است که بگوئیم تمامی مسلمان ها در این جهت تسلیم خلیفه شدند و به آسانی تمکین کردند و از ترتیب خود چشم پوشیدند. ۲۵

۳. از جمله دلایلی که بر توقیفی بودن ترتیب سوره ها وجود دارد حالت خاصی است که بر چینش سوره ها حاکم است؛ سوره هایی که با «حم» یا «الر» شروع می شود، پشت سر هم قرار گرفته اند، اما سوره هایی که با «تسبیح» شروع می شوند پی در پی نیامده اند؛ و سوره «طس» میان دو سوره «طسم شعراء» و «طسم قصص» فاصله شده است که در مطلع مانند یکدیگرند. همچنین سوره «مطففین» میان دو سوره «انفطار» و «انشقاق» واقع شده است که در آغاز و انجام همانند یکدیگرند. پس اگر ترتیب سوره ها توقیفی نبود و از روی اجتهاد مشخصی انجام گرفته بود، بی گمان می بایست «مباحثات» پشت سر هم می آمدند، «طس» پس از «قصص» ذکر می شد و «مطففین» قبل از «انفطار» یا بعد از «انشقاق» قرار می گرفت و میان سوره های دارنده «الر» نیز فاصله می افتاد.

دلیل یاد شده از راه عدم وجود ملاک تشخیص در ترتیب موجود، نشان دهنده توقیفی بودن ترتیب سوره ها است.

۴. یکی از دلیل های مهم این نظر اهتمام فراوانی بود که رسول اکرم (ص) و صحابه ایشان به قرآن داشتند. پس با وجود این اهتمام چگونه ممکن است جمع قرآن تا زمان خلافت ابی بکر به تاخیر بیفتد و کار به آنجا برسد که در جمع آن نیاز به دو شاهد باشد تا شهادت دهند که آن را از پیامبر شنیده اند. ۲۶

۵. دلیل دیگر، اخبار و روایاتی است که این نظر را تایید می کند. از جمله از زید بن ثابت نقل شده که گفت: «کنا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع». ۲۷

داوری درباره دیدگاه های یاد شده

در یک ارزیابی کلی از دیدگاه های طرفین به روشنی در خواهیم یافت که دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره ها به هیچ وجه از نظر استحکام و شواهد تاریخی و اعتباری، از دیدگاه کسانی که ترتیب آنها را پس از حیات پیامبر (ص) می دانند کاستی ندارد، بلکه در پذیرش اجتهادی بودن ترتیب سوره ها با پرسش ها و ابهاماتی مواجه خواهیم بود که نادیده انگاشته شده اند. این که ما در زمان عثمان هیچ گونه مخالفتی نسبت به ترتیب سوره ها در مصحف وی نمی بینیم مؤیدی قوی است که این ترتیب برای مردم امری شناخته شده بوده است. بنابراین، تصور این که هیچ گونه ترتیبی بر سوره های قرآن حاکم نباشد، بسیار دشوار است.

۱. الاتقان فی علوم القرآن، ۱/۱۵۷.
۲. بحارالانوار، ۹۲/۱۲۰.
۳. تاریخ قرآن، ۱۹۴.
۴. التمهید فی علوم القرآن، ۱/۲۷۳.
۵. بحارالانوار، ۹۲/۷۵.
۶. الاتقان، ۱/۲۱۲.
۷. چهره زیبای قرآن، ۶۷.
۸. المیزان، ۱۲/۱۲۶.
۹. الاتقان، ۱/۲۱۷.
۱۰. التمهید، ۱/۲۸۳.
۱۱. همان، ۲۸۰-۲۸۸.
۱۲. البرهان فی علوم القرآن، ۱/۲۵۷.
۱۳. الاتقان، ۱/۲۱۸.
۱۴. پژوهشی در تاریخ جمع قرآن کریم، ۹۰.
۱۵. التمهید، ۱/۲۸۱.
۱۶. نائینی، تاریخ جمع قرآن، ۱۵۴.
۱۷. همان.
۱۸. بحارالانوار، ۵۳/۳۳۹.
۱۹. التمهید، ۱/۲۷۶.
۲۰. البیان، ۲۳۹-۲۵۸.
۲۱. التمهید، ۱/۲۸۵-۲۸۶.
۲۲. نقل از استاد ابازی در مراسم بزرگداشت چهلمین روز درگذشت آیت الله معرفت در دانشگاه علوم و تحقیقات.
۲۳. القرآن الکریم و روایات المدرسین، ۲/۷۱.
۲۴. نهایه الاصول، ۴۸۳-۴۸۴.
۲۵. تاریخ جمع قرآن کریم، ۱۵۴.
۲۶. البیان، ۱/۲۵۳.
۲۷. الاتقان، ۱/۵۷.